

Jurisprudential and Judicial Explanation of Arbitration in Islam and Its Comparison with Arbitration in the West (France)

Mansour Safari Moghadam

Ph.D., Student, Department of Theology and Islamic Studies, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. safarimoghadam ♀@gmail.com

Amir Mullah Mohammad Ali

Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Shahid Mahallati University of Applied Sciences, Qom, Iran (**Corresponding author**). dr.molla@gmail.com

Mahmoud Ghaumzadeh

Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran. maarefteacher@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present research is the comparative study of arbitration in Islamic jurisprudence versus arbitration in the west (France). In Islamic jurisprudence, the institution of arbitration is raised with reference to jurisprudential sources (the *Qur'an*, tradition, consensus, and reason). The research method is descriptive-analytic and the results indicated that the concept of judgment in the current legal order corresponds with the concept of arbitrator in jurisprudence. Muslim lawyers hold that the system of Islamic judgment and trial has comprehensively been able to create logical and fundamental methods in terms of all human acts and behaviors by making accurate laws based on human nature whereas the judicial system of the West does not act in this way. The philosophy of arbitration in Islamic religion and law and its correspondence with the western and international (French) law is that this civil law should be able to effectively solve conflicts and personal, national, and international enmity in the light of mutual satisfaction of those who are beneficiary in a deal, convention, or even family without any official ceremony, mere trial, legal and judicial force, or spending a long time. The results substantiated from this legal act are considered as the included conditions in an agreement.

Keywords: France, Western Rights, International Rights, International Judgment, Iran's Rights.

Received: ۲۰۲۲-۱۱-۲۴ ; Revised: ۲۰۲۳-۰۱-۱۰ ; Accepted: ۲۰۲۳-۰۲-۰۹ ; Published online: ۲۰۲۳-۰۳-۲۱

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the author(s)



تبیین فقهی و حقوقی داوری در اسلام و تطبیق آن با داوری در غرب (فرانسه)

منصور صفری مقدم

دانشجوی دکتری، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

safarimoghadam √@gmail.com

امیر ملا محمدعلی

استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علمی کاربردی شهید محلاتی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

dr.molla@gmail.com

محمود قیومزاده

استاد، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

maarefteacher@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه تطبیقی داوری در فقه اسلام با داوری در غرب و فرانسه می‌باشد. نهاد داوری در فقه اسلام به استناد منابع فقهی (قرآن، سنت، اجماع، عقل) تحت عنوان حکمیت مطرح شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که مفهوم داوری در نظم حقوقی کنونی منطبق بر مفهوم قاضی تحکیم در فقه است. حقوقدانان مسلمان بر این عقیده‌اند که نظام داوری و دادرسی اسلام با جامعیتی تمام توانسته در خصوص تمام اعمال و رفتار بشر با ایجاد قوانین دقیقی که براساس فطرت بشر بنا نهاده شده است، راه‌های منطقی و اصولی ایجاد نماید، در حالی که در نظام داوری و حقوقی غرب اینگونه عمل نشده است. فلسفه تحقق و وضع داوری در شریعت و حقوق اسلام و مطابقت آن در حقوق غرب و بین‌الملل (فرانسه) این است که این نهاد حقوقی مدنی بتواند بدون تشریفات اداری و دادرسی محض و فارغ از هرگونه اجبار حقوقی و قضائی و صرف وقت و زمان طولانی، در راستای حل منازعات و فصل خصومت‌های خصوصی، ملی و بین‌المللی در سایه رضایت طرفین یا افراد ذی‌نفع یک قرارداد یا کنوانسیون یا حتی خانواده و غیره، برآید و منشاء آثار شود. حال آثاری که از این عمل حقوقی محقق می‌شود، به‌مثابه شرایط ضمن عقد محسوب می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: فرانسه، داوری، حقوق غرب، حقوق بین‌المللی، داوری بین‌الملل، حقوق ایران.

پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری منصور صفری مقدم، با عنوان: مبانی فقهی و حقوقی داوری و میانجی‌گری در امور کیفری و تطبیق داوری و میانجی‌گری در آیین دادرسی مدنی، استاد راهنما: امیر ملا محمدعلی، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین در سال ۱۴۰۰ است. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱-۰۹-۰۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱-۱۰-۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱-۱۱-۲۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲-۰۱-۰۱

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: مقاله پژوهشی



مقدمه

انسان موجودی است که در زندگی اجتماعی نیازمند برقراری مناسبات و روابط اجتماعی با دیگران است. از طرفی، زندگی اجتماعی محل بروز اختلافات و درگیری‌ها و همچنین اظهارنظرها در مورد اشخاص، حوادث و رویدادهای گوناگون است و کرسی قضائی و آیین داوری، علی‌القاعده تابع قانون کشوری است که داوری در آن کشور انجام می‌شود. این امکان اصطلاحاً جایگاه و مقر صندلی داوری^۳ نامیده می‌شود. به عبارتی، دادگاه مقر داوری است، که داوری را هدایت و کنترل می‌کند. کرسی قضائی حکمیت، یا توسط طرفین موافقتنامه حکمیت معین شده است، یا توسط داوری، شخص یا مؤسسه دیگری که طرفین دعوی از لحاظ حکمیت او را به رسمیت می‌شناسند، یا توسط دادگاه داوری برگزیده شده است که طرفین دعوی او را مجاز می‌دانند. در منابع فقهی و نظام حقوقی اسلام، نهادی تحت عنوان حکمیت پیش‌بینی شده است، که مصداقی از آن می‌تواند داوری باشد؛ زیرا «روشن است که در زمینه داوری فرقی نمی‌کند که طرفین دو فرد باشند، یا دو گروه، یا دو دولت و کشور؛ بنابراین، از نظر اسلام تسلیم در برابر آن فرد یا مقام پس از صدور حکم، وظیفه طرفین دعوی بوده است و نتیجه داوری هرچه که باشد (در صورتی که خیانتی انجام نشده باشد) پذیرفته است»؛ و تمام این موارد باید، برطبق اصول داوری باشد. اما داوری در غرب، بر اساس دیوان داوری بین‌المللی لندن است. این دیوان، دارای ۱۱ ماده و یک شرط پیشنهادی است که نحوه ارجاع به داوری و چگونگی رسیدگی و نحوه خاتمه داوری، در آن مشخص شده است، که در سطح بین‌المللی، از این شیوه سیاسی و دیپلماتیک برای حل و فصل منازعات استفاده می‌شود. امروزه برنامه‌های داوری در اکثر کشورهای جهان مورد استقبال قرار گرفته است.

در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی تطبیقی و تبیین فقهی و حقوقی داوری در فقه و حقوق اسلام و غرب، خصوصاً داوری در فرانسه، است. به خصوص که در غیاب دادگاه بین‌المللی برای عدالت خصوصی، امروزه داوری تجاری بین‌المللی، برترین و مؤثرترین شیوه حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی محسوب می‌گردد. در برگزاری داوری تجاری بین‌المللی، آنچه در برخی کشورها از جهت قواعد و مقررات و رویه‌های داوری بین‌المللی وجود دارد، می‌تواند و حتی گاهی باید الگو و سابقه‌ای برای دیگر کشورها باشد.

مفاهیم پژوهش

مفهوم فقهی داوری

در فقه و حقوق اسلامی، بحث از داوری به صورت منسجم و تحت عنوان یک باب مستقل و مجزا مطرح نگردیده است؛ اما فقهای عظام در چند باب به آن پرداخته‌اند. یکی از این باب‌ها مربوط به نکاح و اختلافات زوجین است، که به مناسبت آیه شریفه قرآن نگاشته شده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا»؛ و چنانچه بیم آن دارید که نزاع سخت بین آنها پدید آید، از طرف کسان مرد و کسان زن داوری برگزینید، که اگر مقصود اصلاح داشته باشند خدا میان ایشان موافقت و سازگاری برقرار کند، که خدا دانا و آگاه است» (نساء، ۳۵).

^۳ Seat

مفهوم حقوقی داوری

در اصطلاح حقوقی، مفاهیم و تعاریف متنوعی از داوری ارائه شده است. برخی از این تعاریفها با یکدیگر متفاوت هستند، به نحوی که نمی‌توان از آنها مفهوم واحدی استخراج نمود. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود: مرحوم «متین دفتری» داوری را اینگونه تعریف می‌کند: «زمانی که افراد از مداخله مراجع رسمی (قضایی) در قطع و فصل دعاوی مربوط به حقوق خصوصی خودشان صرف نظر نمایند و به حکومت خصوصی اشخاصی که از نظر معلومات و اطلاعات فنی یا درستکاری و امانت مورد اعتماد آنها هستند، تسلیم شوند» (متین دفتری و شمس، ۱۳۸۷، ص ۷۶). برخی معتقدند: «داوری رفع اختلاف از طریق حکمیت اشخاصی است که اصحاب دعوا به تراضی انتخاب کرده یا مراجع قضایی به قید قرعه برگزیده‌اند» (مدنی، ۱۳۷۸، ص ۶۶۸).

مقایسه و مطابقت داوری در اسلام و غرب

در حقوق غرب برخلاف حقوق اسلام که قاضی صلاحیت خود را از قانون می‌گیرد، صلاحیت داوری منبعث از توافق طرفین دعوی است. بنابراین، پیش از شروع هر داوری مسائل زیر مطرح می‌گردد:

۱. آیا اصولاً توافقی برای رجوع به داوری در میان طرفین وجود دارد؟
 ۲. آیا توافق مذکور به نحو صحیح انعقاد یافته است؟
 ۳. آیا توافق فوق، به فرض اینکه صحیحاً انعقاد یافته باشد، هنوز به قوت و اعتبار خود باقی است؟
- درباره سؤال اول باید گفت که مدعی وجود توافق، باید آن را به اثبات برساند و اثبات آن نیازمند سندی است که حاکی از وقوع توافق شرط داوری باشد. راجع به سؤال دوم اصل صحت جاری است؛ یعنی اینکه توافق مربوط به داوری مثل هر قرارداد دیگری محمول بر صحت است و کسی که مدعی خلاف باشد، باید ادعای خود را ثابت نماید. بنابراین، ادعای بطلان توافق، محتاج اقامه دلیل خواهد بود. ادعای بطلان ممکن است به استناد مخالفت با قواعد آمره قانون باشد و نیز ممکن است اهلیت شخص یا سازمانی که شرط داوری را پذیرفته است، مورد ایراد قرار گیرد و یا این ایراد وارد شود که قبول‌کننده شرط از حدود اختیارات خود تجاوز کرده است. در مورد سؤال سوم، اصل استصحاب جاری است؛ یعنی شرط داوری که صحیحاً منعقد شده باشد، به قوت و اعتبار خود باقی می‌ماند و اثبات خلاف آن بر عهده مدعی است؛ مبنی بر اینکه ادعای شرط داوری قوت و اعتبار خود را از دست داده است یا مبنای قراردادی می‌تواند داشته باشد یا مبنای قانونی. در صورت اول، توافق مربوط به داوری از طریق تفاسخ، به تراضی طرفین، باطل می‌گردد و در صورت دوم، توافق مزبور به حکم قانون ملغی و کان لم یکن می‌شود.

داوری در حقوق ایران

در حقوق ایران، توافق به داوری اعم از اینکه به صورت شرط ضمن معامله اصلی باشد یا موافقتنامه جداگانه، قرارداد محسوب می‌شود و تابع شرایط عمومی قراردادها، مندرج در ماده ۱۹۰ و نیز مواد ۲۱۹ به بعد قانون مدنی است. ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی نیز مقرر می‌دارد که طرفین می‌توانند منازعه یا اختلاف خود را «به تراضی» به داوری ارجاع نمایند. به تجویز ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی، این تراضی می‌تواند ضمن معامله اصلی باشد، یا به صورت قرارداد علی‌حده‌ای تنظیم گردد و طرفین به موجب آن ملتزم شوند که در صورت بروز اختلاف بین آنها، رفع آن از طریق داوری به عمل آید. در مورد داوری تجاری بین‌المللی هم حکم مشابهی در ماده ۱ (ج) قانون داوری

تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶، آمده است و به موجب آن مقرر شده که موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در قرارداد، یا به صورت قرارداد جداگانه باشد (اعتمادی، ۱۳۸۴، ص ۲۵). تا قبل از تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی در ایران، داوری بین‌المللی در حقوق ایران مشمول مقررات قانون آیین دادرسی بود؛ ولی با تصویب قانون مذکور که با اقتباس از قانون نمونه داوری آنسیترال^۴ تهیه و تصویب شده، احکام آن دو از یکدیگر جدا شده است. بنابراین، برای پاسخ به سؤال مورد بحث، که آیا شرط داوری مستقل از قرارداد اصلی است یا نه؟ می‌توان پاسخ داد که می‌بایست، بین داوری داخلی و داوری بین‌المللی تفکیک قائل شد (سیفی، ۱۳۷۷، ص ۹۸).

داوری در حقوق فرانسه: قبل از سال ۱۹۸۱ در فرانسه، داوری‌های داخلی از داوری‌های بین‌المللی تفکیک شده بود، در مورد اول، علی‌القاعده شرط داوری قابل تجزیه و تفکیک از قرارداد اصلی نبود، اما در مورد داوری‌های بین‌المللی، رویه قضایی فرانسه استقلال شرط داوری را پذیرفته بود و ادعای بی اعتباری قرارداد، تأثیری بر شرط داوری مندرج در آن نداشت. از سال ۱۹۸۱ که قانون آئین دادرسی مدنی فرانسه اصلاح شده، به کلیه تردیدها خاتمه داده و استقلال شرط داوری را صریحاً تأیید نموده است. در نتیجه، هم داوری قراردادی و هم داوری بر اساس انصاف، در رژیم قدیم فرانسه وجود داشته است. مطالعه تاریخ نشان می‌دهد که در فرانسه، همواره در ارتباط با ضرورت اعمال داوری و ضرورت کنترل قضایی آن بین پادشاه و رویه قضایی پارلمان‌ها، اختلاف وجود داشته است؛ یعنی پادشاه همواره موافق سهل‌گیری نسبت به داوری و قضات همواره موافق کنترل آن بوده‌اند. این امر هم ظاهراً به خاطر آن بوده که داوری می‌توانسته است، کار و درآمد آنها را تقلیل دهد. نکته قابل توجه دیگر آنکه، تفسیر آنها از داوری این است که داوری یک مرحله رسیدگی ابتدائی است و باید در مرحله بعدی، تحت رسیدگی قضایی، حکم قضیه روشن شود. حتی بعضی از پارلمان‌ها اعلام می‌کنند که هرگونه شرط، مبنی بر عدم حق اعتراض به رأی، باطل است. بالاخره در این مبارزه، نوعی مصالحه تا حدودی به نفع سیستم قضایی برقرار می‌شود؛ به این نحو که رأی داوری باید توسط دادگاه و از طریق ارائه آن توسط داور به دادگاه اجرا گردد. البته دادگاه حق ورود به ماهیت اختلاف را ندارد و رأی بدون موافقت یک قاضی قابل اجرا نیست.

به این ترتیب داوری عادی و داوری براساس انصاف، از یک رژیم حقوقی برخوردارند. البته در رژیم سابق، فکر کاربرد انصاف در داوری عادی و داوری براساس انصاف و داوری در نهادهای مختلف، همواره وجود داشته و فی‌الواقع، در نقش دادگاه است. به عنوان نمونه، هنگام تنظیم قرار داد ساختمانی، طرفین می‌توانند هرگونه اختلاف مالی خود را چنانچه در دادگاه مطرح شده یا نشده باشد، به داور یا حکم ارجاع دهند. در اصل موافقتنامه داوری، عقدی است که به موجب آن طرفین توافق می‌نمایند دعوی مابین منازعه و اختلاف احتمالی که در آینده ممکن است بروز یابد را، برای رسیدگی یا صدور رأی، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند. این موافقتنامه متفاوت از قرارداد داوری قراردادی است، که مستقل از قرارداد اصلی تنظیم می‌شود و در آن، شرط داوری به طور شرط ضمن عقد اصلی، به عمل می‌آید (شیروی، ۱۳۸۹، ص ۵۴).

نباید فراموش کرد که در جهان کنونی، سرعت در انجام معاملات، از مهم‌ترین اصول رقابتی در حقوق تجارت حتی برای دولت‌هاست. همچنین دولت‌ها در عرصه تجارت به علت مشغله‌های گوناگون سعی در حل و فصل اختلاف خود

^۴ Ancitral

به شیوه‌ای آسان و سریع دارند. از این رو داوری به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌ها در این حوزه پیشنهاد شده است (مرتضوی، ۱۳۹۲، ص ۷۴).

داوری در تمام جهان با تقاضای افراد ذی‌صلاح به آنها اعطاء می‌شود. داوری اختلاف‌های مرتبط با این شاخه از حقوق، مزایای بسیار زیادی دارد که از جمله می‌توان به محرمانه بودن، مقرون به صرفه بودن، امکان انتخاب داوران متخصص و امکان اجرایی یا عدم اجرایی نمودن (جنبه مشاوره‌ای احکام) اشاره کرد. داوری در هر حوزه و شاخه مزیت‌های بسیاری دارد و لازم است که در هر پروژه، مورد توجه قرار گیرد، در مورد آن توافق به عمل آید و اقدامات لازم مبذول گردد. در درجه اول باید دانست که بین داوری و روش‌های رسمی حل و فصل اختلاف، تفاوت‌ها و مزایایی وجود دارد که برخی از این تفاوت‌ها و مزایا در بیشتر مباحث مربوط به داوری به طور مشترک وجود دارند. در قانون ایران به این مسئله توجهی نشده است؛ در حالی که قوانین نمونه تفکیک خوبی را در این مسئله قائل شده‌اند (گرشاسبی، ۱۳۸۸، ص ۳۸).

بدون شک داوری همچون روش حل اختلاف خصوصی و خارج از دادگاه از مزایای متعددی در مقایسه با رسیدگی در دادگاه‌های دولتی برخوردار است. متخصصین داوری به ویژه بر سرعت کم هزینه بودن و نیز انعطاف‌پذیری مبنای حقوقی حکم داوری، داوری بر مبنای قانون و داوری بر مبنای کدخدامنشی تأکید دارند. با این حال، رجوع به داوری همواره مطلوب نیست. در قراردادهای دراز مدت به ویژه در قراردادهای پیمانکاری بین‌المللی، مراجعه مستقیم به داوری اساساً پاسخگوی نیازهای قراردادی طرفین نیست. در این گونه قراردادهای که غالباً دارای پیچیدگی‌های فنی خاص هستند، نه تنها دعوی اصولاً متعددند، بلکه اکثر قریب به اتفاق آنها نیز جنبه فنی و تکنیکی دارند و کمتر دارای جنبه حقوقی صرف هستند. بدیهی است در چنین قراردادهایی، رجوع به داوری با سرعت لازم برای انجام تعهدات موضوع قرارداد منافات دارد. در واقع اگر قرار باشد هر بار که دعوی بین پیمانکار و کارفرما حادث می‌شود، موضوع بلافاصله به داوری ارجاع شود، اجرای قرار داد ممکن است در انتظار رأی داوری ماه‌ها، بلکه سال‌ها به تعویق بیفتد. از سوی دیگر همان‌طور که گفته شد، با توجه به جنبه فنی اغلب دعاوی پیمانکاری بین‌المللی، حتی اگر موضوع «دبّه کردن»، به داوری ارجاع شود؛ در صورتی که داور در زمینه موضوع دعوا تخصص نداشته باشد، ناگزیر از مراجعه به یک کارشناس یا اهل فن خواهد بود و مسلماً چنین امری مستلزم صرف وقت و هزینه اضافی است.

همچنین در قراردادهای پیمانکاری بین‌المللی، گاه ضرورت دارد یک اقدام سریع برای جلوگیری از یک ضرر فاحش، یا یک آسیب غیر قابل جبران، یا تأمین یک دلیل به عمل آید. داوری، حتی اگر در آن صدور دستور موقت یا تأمین، پیش‌بینی شده باشد، به دلیل مدت زمانی که برای تشکیل دیوان داوری لازم است، نمی‌تواند در لحظه‌ای که ضرورت دارد، مورد استفاده قرار گیرد. به منظور پاسخ‌گویی به مقتضیات قراردادی و امتناع از کاستی‌های داوری، تنظیم‌کنندگان قراردادهای نمونه پیمانکاری بین‌المللی و برخی از سازمان‌های تجارب بین‌المللی، نظیر اتاق بازرگانی بین‌الملل به روش‌های جانشین داوری روی آورده‌اند. البته ذکر این نکته ضروری است که روش‌های جانشین حل اختلاف بسیار متعدد هستند، ولی آن دسته از روش‌هایی که در قراردادهای پیمانکاری بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرند به سه دسته تقسیم می‌شوند: روش‌های منتهی به راه حل‌های موقت اجباری، نظیر رجوع به سازش و میانجی‌گری (دستور)، مهندسان مشاور) فدراسیون بین‌المللی مهندسان مشاور و کمیته حل اختلاف موقت پیش از داوری. از میان این روش‌ها،

سازش و میانجیگری شبه داوری تلقی نمی‌شوند؛ زیرا منظور از نهادهای شبه داوری نهادهایی هستند، که در آنها، ثالثی حل اختلافات ناشی از قرارداد را به عهده می‌گیرد و همانند داور، رأی صادر می‌کند که به طور موقت تا زمان مراجعه طرفین به داوران یا دادگاه‌های دولتی لازم‌الاجرا است. با این تفاوت که رأی داوری اصولاً قطعی و لازم‌الاجرا است، حال آنکه رأیی که توسط ثالث در چارچوب نهاد شبه داوری صادر می‌شود ممکن است، توسط داور یا دادگاه دولتی نقض شود و الزام‌آور بودن آن موقتی است. مطالعه رابطه بین سایر نهادهای شبه داوری و نهاد داوری از آنجا که همگی از روش‌های حل دعوی خارج از دادگاه به شمار می‌آیند، اهمیت دارد. این رابطه از دو حیث قابل بررسی است؛ نخست باید دید جایگاه هر یک از این راه‌ها در مجموعه سیستم حل اختلاف قراردادهای پیمانکار بین‌المللی کدام است. به عبارت دیگر باید وجوه اشتراک و افتراق روش‌های شبه داوری و داوری را جستجو کرد.

دیدگاه‌های فقهای مذاهب اسلامی در مورد داوری

واژه داوری در حقوق با قضاوت تحکیمی در فقه هم پوشانی دارد. توضیح اینکه، حکم در لغت به معنای قضاوت و دادرسی آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۴۰). در اصطلاح فقهی، قاضی تحکیم کسی است که ابتدائاً و بالذات برای قضاوت نصب نشده است؛ بلکه در صورت تراضی اصحاب دعوا، حق قضاوت دارد و تراضی آنها با توجه به اجازه شارع مقدس به چنین توافقی، به وی حق اعمال ولایت می‌دهد (حائری، ۱۴۱۵ق، ص ۲۱). برخی از فقهای معاصر بر این باور هستند که قاضی تحکیم می‌تواند بیش از یک نفر باشد و لزومی در واحد بودن وی نیست. او کسی است که طرفین نزاع با توافق هم، وی را برای داوری میان خود انتخاب کرده‌اند، بدون اینکه این شخص از سوی امام به طور خاص یا عام، به قضاوت منصوب شده باشد (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۰۹). از مجموع تعاریف فقهی برمی‌آید که قاضی تحکیم کسی است که اولاً منتخب طرفین اختلاف است، ثانیاً صلاحیتش منوط به عدم حضور امام معصوم (ع) یا قاضی منصوب از طرف ایشان نیست، ثالثاً شغل ذاتی و اولی‌اش قضاوت نیست؛ بلکه با انتخاب طرفین به صورت موقت و در طول دوران محاکمه صلاحیت می‌یابد و رابعاً می‌تواند یک نفر یا بیش از یک نفر باشد. با توجه به تعاریفی که توسط حقوق‌دانان و قانون داوری بین‌المللی از داوری ارائه گردید، و با توجه به تعاریف فقها از قاضی تحکیم می‌توان گفت، مفهوم داوری در نظم حقوقی کنونی منطبق بر مفهوم قاضی تحکیم در فقه اسلامی است. این مطلب مورد اذعان برخی از حقوقدان (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۴۱) نیز است. شیخ طوسی در توضیح قضاوت (تحکیمی) آورده است که اگر دو نفر توافق کنند که کسی از مردم، میان این دو حکم کند و آن کس چنین کند، جایز بدون نظر خلاف است و حکمش نیز الزام‌آور است (شیخ طوسی، ۱۳۹۷، ج ۶، ص ۲۴۱).

از فقهای معاصر آیت‌الله موسوی اردبیلی در تعریف جامعی بیان می‌دارند، قاضی تحکیم کسی است که طرفین نزاع با توافق هم، وی را برای داوری میان خود انتخاب کرده‌اند، بدون اینکه این شخص از سوی امام به طور خاص یا عام به قضاوت منصوب شده باشد (اردبیلی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۰۹). در آیه ۳۵ سوره نساء آمده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا...» اگر از وقوع شقاق بین زوجین نگران بودید، حکمی را از بین خانواده مرد و حکمی را از بین خانواده زن برگزینید...». بسیاری از فقهای امامیه معتقدند حکم در این آیه، قاضی تحکیم است و منظور تعیین حکم بین زوجین به صورت توکیل نیست (شیخ طوسی، ۱۳۹۷، ج ۶، ص ۴). شهیدثانی نیز

این نظر را با این استدلال تأیید می‌کند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۳۶۷). همین نظریه در برخی از کتب آیات الاحکام نیز به چشم می‌خورد (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج ۲).

ادله قائلین به نظریه قاضی تحکیم

شیخ طوسی در کتاب خلاف برای اثبات این نظر مشهور در مقابل نظر مخالف به چند دلیل استناد می‌کند و می‌گوید: اولاً ظهور کلام خداوند متعال در آیه، بر تحکیم است؛ چون فرموده «فابعثوا حکماً» و نگفته «فابعثوا وکیلاً». ثانیاً خطابات قرآن که حکمی را بیان می‌کنند، هرگاه به صورت مطلق بیان شوند، منصرف به امامان و قضات هستند؛ مانند «و السوارق و السوارق فاقطعوا ایدیهم» و «الزانیوه و الزانیوه فاجلدوا»؛ در آیه مورد بحث نیز خطاب مطلق است و مخاطب آن زوجین نیستند، چون اگر بود می‌فرمود: «فابعثوا وکیلاً»؛ در حالی که فرموده‌اند: «فابعثوا حکماً». ثالثاً در ادامه آیه آمده است: «ان یریدا اصلاحاً یوفق الله بینهما»، فاعل فعل «یریدا» در آیه، حکمین هستند؛ در حالی که اگر حکمین وکلای زوجین بودند، بایستی، اراده به زوجین اضافه می‌شد. رابعاً، بنا بر نظر فقهای امامیه، حکم حکمین به جز در افتراق نافذ است و تنها در فرضی که آنان رأی به افتراق بدهند؛ در حقیقت این رأی در صورتی نافذ خواهد بود که با اذن زوجین باشد. بعضی از فقها مشروعیت قاضی تحکیم را زیر سؤال برده و در آن اشکال کرده‌اند که در این صورت دیگر نمی‌توان قواعد و احکام آن را به داور تعمیم داد. علامه در تحریر قائل به عدم لزوم و نفوذ حکم قاضی تحکیم شده، گرچه در کتاب‌های بعد از این نظر، عدول و آن را مشروع دانسته است (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۱۳).

از فقهای معاصر آیت‌الله فاضل لنکرانی در پاسخ به استفتائی در مورد صلاحیت زنان برای قضاوت تحکیم گفته‌اند: اصل قاضی تحکیم مورد قبول نیست، تا اینکه جزئیات آن بیان شود. قائلین به عدم مشروعیت قضاوت تحکیم یا عدم نفوذ حکم به چند دلیل استناد جسته‌اند؛ به طور مثال، جایز بودن تحکیم خلاف اصل است، چون اصل بر عدم اجرای حکم شخصی، علیه شخص دیگر است، مگر آنکه با دلیل باشد. در مقابل، قائلین به مشروعیت قضاوت تحکیم نیز به چند دلیل استناد می‌نمایند. برخی به قرآن (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۶۱۰)، برخی به اجماع (راوندی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۳) و ادعای عدم خلاف (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۴۰)، برخی به بنای عقلا و سیره مسلمین و عده‌ای نیز، به عدم نهی معصومین (ع) اشاره کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۲)؛ اما مهم‌ترین دلیلی که برای مشروعیت قاضی تحکیم وجود دارد، روایاتی است که از ناحیه معصومین (ع) بیان می‌شود. آیت‌الله خوئی در اثبات مشروعیت قضاوت تحکیمی به روایت ابی‌خدیجه استناد کرده و سند آن را بی‌اشکال دانسته است. در این روایت آمده است: «مبادا یکی از شما دیگری را نزد اهل جور به محاکمه بکشاند. بنگرید و مردی از خودتان را که پاره‌ای از احکام ما را می‌داند میان خودتان قاضی قرار دهید، من نیز وی را قاضی قرار می‌دهم. بنابراین، نزد وی تحاکم کنید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، حدیث ۵).

منابع فقهی داوری (قرآن، سنت، اجماع و عقل)

قرآن کریم به موضوع میانجیگری، مصالحه و سازش در آیات مختلف سفارش نموده است و همگی را تأکیدی بر دوستی، آشتی، مصالحه، سازش، داوری، پادرمیانی و میانجیگری می‌داند. این تأکیدات، بیانگر توجه خداوند کریم به موضوع مصالحه و سازش و سفارش موکد به آن است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ؛ پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش کنید» (انفال، ۱). مفسرین در تفسیر این آیه می‌فرمایند، در میان بعضی از

مسلمانان مشاجره‌ای در مورد غنائم جنگی واقع شد و برای قطع این مشاجره نخست، ریشه آن مسئله که غنیمت بود، زده شد و به طور دربست در اختیار پیامبر (ص) قرار گرفت، سپس دستور اصلاح میان مسلمانان و افرادی که با هم مشاجره کردند، به دیگران داد. اصولاً اصلاح ذات البین، ایجاد تفاهم، زدودن کدورت‌ها و دشمنی‌ها و تبدیل آن به صمیمیت و دوستی، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اسلام است. ذات به معنی خلقت، بنیه و اساس چیزی است، و بین به معنی حالت ارتباطی و پیوند میان دو شخص یا دو چیز است؛ بنابراین، اصلاح ذات‌البین به معنی اصلاح اساس ارتباطات، تقویت و تحکیم پیوندها و از میان بردن عوامل و اسباب تفرقه و نفاق است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۴۵۶).

وقوع داوری در دوران حیات پیامبر (ص)، دلیل بر مشروعیت آن در سنت است. نمونه بارز و برجسته آن را می‌توان در داوری سعد بن معاذ برای بنی‌قریظه در سال چهارم هجرت مشاهده کرد؛ پیامبر (ص) بعد از پایان جنگ به مدینه بازگشت. جبرئیل هنگام ظهور و نماز بر پیامبر (ص) نازل شد و امر حرکت به سوی بنی‌قریظه را ابلاغ کرد. با دستور پیامبر (ص) مسلمانان با سرعت به سوی بنی‌قریظه حرکت کردند و نماز عصر را در محل سکونت بنی‌قریظه اقامه نمودند. پیامبر (ص) و مسلمانان، بنی‌قریظه را محاصره نمودند و این محاصره به مدت یک ماه ادامه داشت. بعد از محاصره یک ماهه، یهودیان بنی‌قریظه به پیامبر (ص) پیشنهاد کردند، ابالبابه بن عبدالمنذر انصاری را برای داوری به سوی آنان اعزام نماید. پیامبر (ص) موافقت نمود و ابالبابه را اعزام نمود. زنان و کودکان بنی‌قریظه هنگام ورود ابالبابه، او را با گریه و ناله استقبال نمودند و ابالبابه در برابر گریه کودکان آنان متأثر شد. بنی‌قریظه از او برای تسلیم شدن مشاوره طلبیدند و ابالبابه با اشاره به گردن خود، پاسخ داد بلی. و با کنایه از کشته شدن آنها خبر داد. پس از آن که ابالبابه متوجه شد که به خدا و پیامبر (ص) خیانت کرده است، اظهار نمود که به خدا قسم از جای خود حرکت نمی‌کنم تا اینکه خداوند توبه مرا قبول نماید (نجفی، ۱۳۶۴، ج ۲۱، ص ۴).

برای مشروعیت داوری به حکم عقل به چند بیان استدلال شده است:

- افراد بر سرنوشت خود اختیار داشته‌اند و برای استیفای حقوق خویش ولایت دارند. استفاده از این ولایت، متوقف بر امکان برخورداری حق انتخاب داور است. انتخاب داور از سوی افراد، از باب ولایت انسان در استیفای حقوق خویش است و بدون حق انتخاب داور برای انسان‌ها، استیفای حقوق ممکن نیست.
- محدود کردن حل اختلافات به شیوه قضاوت و عدم جواز داوری، موجب عسر و حرج در میان مسلمانان می‌شود؛ زیرا برای بسیاری از افراد، به ویژه در مناطق دور دست، مراجعه به قاضی ممکن نیست یا مشقت‌آور است (دوری قحطان، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۸۴، ۱۰۵).

از دلایل مهم مشروعیت داوری، اجماع است. شیخ طوسی بر جواز داوری ادعای اجماع نموده است: «إذا تراضی نفسان برجل من الرعیه یحکم بینهما، وسألاه الحکم بینهما، کان جائزاً بلاخلاف، فاذا حکم بینهما لزم الحکم و لیس لهما بعد ذلک خیار؛ اگر دو نفر با موضوعی که بین آنها قضاوت می‌کند موافق باشند و از او بخواهند بین آنها قضاوت کند، بدون اختلاف جایز است، بنابراین، اگر بین آنها قضاوت شود، قضاوت لازم است و آنها هنوز چاره‌ای ندارند». طبق این تعریف برای داوری دو رکن اساسی در نظر گرفته شده است و آن دو عبارتند از عمل حقوقی طرفین در

توافق بر انتخاب داور و اقدام به انشاء حکمی که الزام آور نیز باشد. در «المسالک» و «الکفایه» نیز، ادعای عدم اختلاف شده است (مصباح عاملی، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۴).

منابع داوری در حقوق موضوعه (داخلی و خارجی)

منابع حقوقی داوری بین‌المللی را که با توجه به عمل به داوری در کشورمان مدنظر است می‌توان به منابع داخلی و منابع بین‌المللی تقسیم نمود.

منابع داخلی

اصل ۱۳۹ قانون اساسی تنها یکی از جنبه‌های داوری را مدنظر قرار داده و آن جواز مراجعه دولت و سازمان‌های دولتی در داوری است. به موجب اصل مزبور، ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری در هر مورد، موقوف به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در پژوهش حاضر نیز آنجا که صحبت از مراجعه دستگاه‌های دولتی ایران به داوری تجاری بین‌المللی خواهد شد؛ از این اصل یاد خواهد شد؛ چراکه قانون آیین دادرسی مدنی، یکی از عمده‌ترین منابع داوری در حقوق ایران است. قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۱۸ قواعد راجع به داوری را در باب هفتم مقرر کرده بود (مواد ۶۳۲ لغایت ۶۷۷)؛ قواعد مزبور یکسان بر داوری داخلی و بین‌المللی حکم می‌کرد.

منابع خارجی

از میان منابع بین‌المللی (خارجی) داوری، باید به دو منبع دولتی و منبع خصوصی اشاره کرد؛ که در دنیا و از جمله در ایران، بسیار مورد استفاده‌اند. منابع دولتی این دو منبع عبارتند از:

- مقررات سازش و داوری کمیسیون سازمان ملل متحد برای حقوق تجارت بین‌الملل که به اختصار آنیسترال خوانده می‌شود.
- مقررات موضوع کنوانسیون ۱۸ مه ۱۹۶۵ بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه مقررات سازش و داوری سازمان ملل متحد برای حقوق تجارت بین‌الملل. در خصوص فعالیت آنیسترال که در ۱۹۶۶ تأسیس گردیده است باید گفت که هدف آن، ایجاد و تدوین قواعد واحد برای انعقاد و اجرای قراردادهای تجاری بین‌المللی و تدوین قواعد برای حل و فصل اختلافات راجع به قراردادها است. در سال ۱۹۷۵ حل و فصل اختلافات تشریفات رسیدگی خود را بر اساس قواعد ۱۹۷۵ آنیسترال استوار کرده است.

منابع خصوصی: مهم‌ترین منبع بین‌المللی داوری که جنبه خصوصی دارد، داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی است. اتاق بازرگانی بین‌المللی که در سال ۱۹۱۹ به وسیله بازرگانان خصوصی سرار دنیا تأسیس شده است، تاکنون ابزار حقوقی مهمی برای تنظیم روابط تجاری بین‌المللی و حل و فصل اختلافات راجع به آنها تدوین کرده، که از آن جمله مقررات سازش و داوری است که در سطح بین‌الملل به آن ارجاع می‌شود.

منابع داوری در حقوق غرب (فرانسه)

در مورد این موضوع که چه زمانی داوری بین‌المللی محسوب می‌شود، در نظام‌های مختلف حقوقی معیار واحدی وجود ندارد؛ مثلاً برخی از نظام‌ها داوری را زمانی بین‌المللی می‌دانند که لاقلاً یکی از طرفین اختلاف در خارج از آن

کشور اقامت داشته باشند؛ مانند سوئیس (خدابخشی، ۱۳۹۱، ص ۷۰). برخی از نظام‌ها نیز داوری را زمانی بین‌المللی تلقی می‌نمایند؛ که یک از طرفین در خارج سکونت داشته باشد، یا محل تجارت یکی از طرفین در خارج باشد.

قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)

اصل استقلال شرط داوری و صلاحیت مرجع داوری برای تصمیم‌گیری درباره صلاحیت خود حتی در صورت بطلان قرارداد اصلی، در بند ۴ ماده ۶ قواعد داوری آی. سی. سی پذیرفته شده است. به موجب این ماده، جز در مواردی که طرفین به گونه‌ای دیگر توافق کرده باشند، صرف این ادعا که قرارداد اصلی باطل یا بی اعتبار بوده باشد، یا اساساً وجود ندارد، باعث توقف صلاحیت مرجع داوری نمی‌شود؛ مشروط به اینکه مرجع داوری اعتبار موافقتنامه داوری را احراز نماید. صلاحیت مرجع داوری برای تصمیم‌گیری درباره حقوق طرفین و نیز رسیدگی به ادعاها و ایرادات آنها، حتی در صورتی که قرارداد اصلی احیاناً وجود نداشته یا باطل بوده باشد، معتبر و مستقر خواهد بود.

قواعد داوری آنسیترال (غیر شهری)

بند ۲ ماده ۲۱ قواعد داوری آنسیترال، استقلال شرط داوری را پیش‌بینی کرده است و مقرر می‌دارد: «دیوان داوری اختیار خواهد داشت نسبت به وجود یا اعتبار قراردادی که شرط داوری بخشی از آن را تشکیل می‌دهد، تصمیم بگیرد. از لحاظ ماده ۲۱، شرط داوری که بخشی از قرارداد را تشکیل می‌دهد و متضمن داوری براساس این قواعد (آنسیترال) است، به عنوان یک توافق مستقل از سایر شرایط قرارداد محسوب خواهد شد. تصمیم دیوان داوری مبنی بر اینکه قرارداد باطل و بی‌اثر است، بی‌اعتباری شرط داوری را در پی نخواهد داشت». علاوه بر قواعد داوری فوق، ماده ۷ عهدنامه ۱۹۶۱ ژنو، ماده ۴۱ عهدنامه ۱۹۶۵ واشنگتن (ایکسید) و ماده ۱۶ قانون نمونه داوری آنسیترال (۱۹۸۵) نیز به وضوح، استقلال شرط داوری را پیش‌بینی نموده‌اند.

رویه داوری بین‌المللی

حقوق و رویه داوری بین‌المللی، استقلال شرط داوری را پذیرفته و در کتاب‌های مربوط به داوری بین‌المللی که درباره داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) نوشته شده، به تفصیل در این زمینه بحث کرده است. مسئله استقلال و تجزیه‌پذیری شرط داوری، از سایر مواد قرارداد در دکتربین و داوری‌های بین‌المللی، سابقه طولانی دارد. آرای داوری بین‌المللی فراوانی وجود دارد که استقلال را شرط داوری دانسته‌اند.

اصلاحات ۸۱-۱۹۸۰

در سال‌های ۸۱-۱۹۸۰، حقوق فرانسه راجع به داوری مورد بازبینی قرار گرفت. ویژگی‌های قانون جدید آیین دادرسی مدنی در خصوص داوری عبارتند از:

۱. به طور کلی، قانون‌گذار مقرراتی در جهت اعتبار بیشتر داوری وضع کرده است؛
۲. حقوق مربوط به اعتراض به داوری و نیز اجرای رأی داوری را روشن‌تر کرده است؛
۳. برای داوری بین‌المللی، مقررات خاص وضع کرده است.

در میان قضات نیز، یک طرز تفکر جدید و برخورد متعادل پیدا شده است، به طوری که می‌توان گفت، هرچه احساسات قضات در قرن نوزدهم بر بی‌اعتمادی نسبت به داوری بود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۹۵۴) در قانون جدید، تعادل و تفکر جدید جای آن را گرفته است.

نتیجه‌گیری

چنانچه در این مقاله ذکر شد، فلسفه تحقق و وضع داوری در شریعت و حقوق اسلام و مطابقت آن در حقوق غرب و بین‌الملل (فرانسه) این است که این نهاد حقوقی مدنی بتواند، بدون تشریفات اداری و دادرسی محض و فارغ از هرگونه اجبار حقوقی و قضائی و صرف وقت و زمان طولانی، در راستای حل منازعات و فصل خصومت‌های خصوصی، ملی و بین‌المللی در سایه رضایت طرفین یا افراد ذی‌نفع یک قرارداد یا کنوانسیون یا حتی خانواده و غیره، برآید و منشاء آثار شود. حال آثاری که از این عمل حقوقی محقق می‌شود، به‌مثابه شرایط ضمن عقد محسوب می‌گردد، که متعاقبین یا متعاملین با طیب نفس و اراده آن را پذیرفته‌اند و از باب اصل فلسفی و عقلی حاکمیت آزادی اراده و از باب «أوفوا بالعقود، أوفوا بالعهود، المومنون عند شروطهم» به نتایج آن پایبند باشند. از طرفی تأسیس حقوقی مثبت این موضوع است که دولت و سیستم قضائی تنها مرجع رفع خصومت و حل و فصل و رتق و فتق دعاوی و منازعات نیست، بلکه اشخاص یک جامعه یا جوامع متفاوت می‌توانند طبق تراضی و توافق، حاکم و قاضی در دعاوی و روابط مدنی خود باشند. نهاد داوری در فقه اسلام تحت عنوان حکمیت مطرح شده است. آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) دلالت بر مشروعیت نهاد داوری در همه معاملات و در تجارت بین‌المللی دارد. باتوجه به تعریف فقها از قاضی تحکیم و تعریف داوری توسط حقوقدانان و قانون داوری بین‌المللی می‌توان گفت، مفهوم داوری در نظم حقوقی کنونی منطبق بر مفهوم قاضی تحکیم در فقه است.

داوری به خاطر توافقی که در آن طرفین دعوا در انتخاب داور و قوانین حاکم بر آن با هم می‌کنند، دارای خصوصیاتی انعطاف‌پذیر است که در قالب آن می‌توان به راه‌حلی برای پایان دادن به اختلاف فی‌مابین، دست یافت، و این ویژگی باعث شده است که این شیوه در دعاوی بین اشخاص حقوق بین‌الملل، اعم از حقیقی و حقوق بسیار کارساز واقع شود؛ چون در آن طرفین می‌توانند، از چهارچوب دادرسی‌های کلاسیک که می‌تواند بسیار طولانی‌تر و پرهزینه‌تر باشد، رهایی یابند. علاوه بر آن، گرفتار قوانین سختگیرانه دادرسی‌های دادگاه‌های رسمی نشوند. ولی این توافقی بودن به این معنا نیست که طرفین می‌توانند یک ساختار جدیدی ایجاد کنند که بتوانند در قالب آن به یک قانون‌گریزی دست بزنند؛ بلکه داوری با تمام شرایط توافقی باید قانون‌مدار باشد و در چارچوب مقررات و قوانینی صورت گیرد که بر آن به توافق رسیده‌اند. این خود باعث می‌شود که آنها ملزم به قوانین مربوط به نظم عمومی کشورهای متبوع خود باشند و نسبت به قانون کشور متبوع بی‌تفاوت نباشند و خود را مقید به رعایت این موازین کنند. در پایان بیان می‌گردد که در داوری‌های داخلی روش و شیوه داوری بر مبنای فقه، حقوق اسلامی و حقوق موضوعه است و در داوری‌های خارجی، رویه داوری و شرط داوری، بدون تعیین داوران معتبر است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم، ج ۱۲. اعتمادی، فرهاد (۱۳۸۴). *دادگاه داوری دعاوی ایران و امریکا*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم.
- حائری، سید کاظم (۱۴۱۵ق). *القضاء فی الفقه الإسلامی*. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- حرّعاملی، محمدحسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۱۸.
- حلی، ابونصر حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). *قواعد الاحکام*. قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۳.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۱). *حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۶). *موافقتنامه داوری و صلاحیت دادگاه*. مجله تحقیقاتی حقوقی، شماره ۳۷۴.
- دوری قحطان، عبدالرحمن (۱۴۰۵ق). *عقد التحکیم فی الفقه الإسلامی*. بغداد: الاحیاء التراث، ج ۱.
- راوندی، سعید بن هبهالله (۱۴۰۵ق). *فقه القرآن*. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- سیفی، سید جمال (۱۳۷۷). *قانون داوری تجاری بین المللی ایران همسو با قانون نمونه داوری آنسیترال*. مجله حقوقی، شماره ۲۳.
- شهید ثانی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ج ۱۴.
- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۹۷). *الخلاف*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۶.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۹). *داوری تجاری بین المللی*. تهران: سمت.
- فاضل مقداد (۱۴۱۹ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب، ج ۲.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *کشف اللثام و الإبهام*. قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۲.
- گرشاسبی، اصغر (۱۳۸۸). *هنر و فن میانجی گری*. تهران: نشر مهاجر.
- متین دفتری، احمد؛ شمس، عبدالله (۱۳۸۷). *آیین دادرسی مدنی*. انتشارات دراک، چاپ دوازدهم، ج ۱.
- مدنی، جلال الدین (۱۳۷۸). *آیین دادرسی مدنی*. نشر علامه طباطبایی، ج ۲، چاپ دوم.
- مرتضوی، سید سلمان (۱۳۹۲). *تعارض شهادات در فقه امامیه*. فقه و حقوق اسلامی، ۴(۷).
- مصباح عاملی، سید محمدجواد (۱۹۹۶م). *مفتاح الکرامه*. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ج ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۳ق). *فقه القضاء*. قم: مؤسسه النشر الجامعه المفید، ج ۱.
- نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱م). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۸.